

<b>ذره بین</b>
جهان در بزرخ پاسخ ایران و حزب ...
<b>هزینه قمار نتانیا‌هو برای خاورمیانه؛ غرب در دام افتاد</b>
اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس چهارشنبه گذشته در حالی که برای مراسم تحلیف ریاست جمهوری ایران به تهران سفر کرده بود، توسط اسرائیل ترور شد. این ترور خونین همزمانی داشت با حمله اسرائیل به حومه جنوبی بیروت؛ حمله‌ای که منجر به شهادت فواد شکر، رهبرارشد حزب...لبنان شد. حال بسیاری از ناظران با اشاره به واکنش تند تهران و پیام رهبری مبنی بر پاسخ به این دو ترور خونین این سوال رامطرح می‌کنند، تحولات اخیر چه معنایی برای درگیری هادر خاورمیانه خواهد داشت؟ از منظری دیگر ترور اسماعیل هنیه و پاسخ محور مقاومت چه تأثیری بر مذاکرات آتش بس اسرائیل و حماس خواهد داشت.
<b>▶ پاسخ ایران به اسرائیل تعیین کننده است</b>
جان‌اتان پانیکوف مدیر ابتکار امنیت خاورمیانه در گفت وگو با شورای اتلانتیک مدعی شد: اسرائیل به فاصله زمانی نسبتا کمی فواد شکر و اسماعیل هنیه، دو چهره برجسته حزب... و حماس را ترور کرد، این ترورهای خونین پیروزی استراتژیک برای این بازیگر تلقی نمی‌شود و پیامدهای بلندمدت و کوتاه مدت ماجراجویی های اخیر تل آویو تا حدودی به دو مقوله کلیدی مرتبط است، اینکه آیا ایران به تنهایی به ترور اسماعیل هنیه در خاکش پاسخ خواهد داد یا اینکه با حزب ... و سایر اعضای مقاومت همصدا خواهد شد. این تحلیلگر در ادامه مدعی شد،ازآنجاکه اسرائیل تلاش داشت تا توان بازدارندگی ایران را هدف قرار دهد، شاید تهران بخواهد به شکلی مستقل به این ترور خونین پاسخ دهد. او در ادامه در باب سوالی مبنی بر اینکه رویکرد پزشکیان به ترور اخیر چه خواهد بود نیز مدعی است که آنچه امروز در ایران مطرح است، مسأله‌ای است در ارتباط با امنیت ملی. به‌پاوری این تحلیلگر،طبیعتا پزشکیان نیز به سان سایر مقام‌های ایران خواهان پاسخ است.. پانیکوف به پیامدهای ترور اسماعیل هنیه برای مذاکرات صلح غزه اشاره کرد و مدعی شد: ترور رهبر ارشد حماس، چهره‌ای که یکی از مذاکره کنندگان اصلی توافقنامه برای تحقق صلح بود، قطعاً ریزی‌ها را برای بازه زمانی نامشخصی به تعویق می‌اندازد، اما این به معنای پایان توافق صلح نیست. این کارشناس در ادامه ادعا کرد که با ترور اسماعیل هنیه شرایط میدانی جنگ در غزه تغییر نخواهد کرد، بالاخص آنکه نتانیا‌هو با توسل به اهرم‌های مختلف تلاش دارد تا آتش بس را به تعویق بیندازد. با این همه آنچه در این مقطع تعیین کننده هست، پاسخ‌های ایران، حزب... و حماس به ترورهای اخیر توسط اسرائیل است: آیا شاهد بازگشت به تنش‌های فعلی خواهیم بود یا جنگ بالقوه گسترده‌تر در سطح منطقه.
<b>▶ منعقدنش ریزی‌تی دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم</b>
احمد فواد الخطیب، تحلیلگر برجسته خاورمیانه نیز مدعی است: شکی نیست که ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، جنگ غزه و کل منطقه را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار خواهد داد. از منظر او این ترور خونین را از چند زاویه باید بررسی کرد؛ اول، تل آویو شاید می‌توانست رهبر ارشد حماس را در دوحه ترور کند، چرا؟ شاید به دلیل پایگاه‌های متعدد، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه، دومین تحلیل ادعایی آن است که همزمانی ترور اسماعیل هنیه با فواد شکر، تلاش (ادعایی) اسرائیل برای اثبات این گزاره بود که این بازیگر قادر به جنگ در دو جبهه به شکلی همزمان است. از منظری دیگر نتانیا‌هو و کابینه به مذاکراتی صلح نیز اشاره می‌کنند. دلیل این تحلیلگر در ادامه ادعا کرد، ترور اسماعیل هنیه ممکن است زمینه‌ساز آشتی سیاسی بین حماس و فتح شده و فرایند آن را تسریع بخشد. در حالی که توافقی هفته گذشته در چین بخشی از مجموعه‌ای طولانی از تلاش‌ها برای آشتی دادن حماس و فتح است، ترور رهبر ارشد حماس ممکن است در نهایت موجب شود تا طرفین شکاف‌های میان خود را بپر کنند. فواد الخطیب در ادامه ادعا کرد، ایران احتمالاً به حمایت از ترور به شیوه‌ای مشابه حملات موشکی و پهپادی خود علیه اسرائیل در ماه آوریل پاسخ خواهد داد. ترور اسماعیل هنیه تنها ساعتی پس از تحلیف رئیس جمهور جدید در خاک ایران، انجام شد. خدادی که قطعاً پاسخ محکم ایران را به دنبال خواهد داشت؛ پاسخی که به ادعای این تحلیلگر می‌تواند فرایند ریزی‌تی‌های احتمالی تهران و واشنگتن با هدف رفع تحریم‌ها را حداقل در کوتاه مدت تحت تأثیر قرار دهد. در این میان حزب ... نیز با ایران همصدا خواهد شد، هم برای پاسخ به ترور فواد شکر و هم انتقام از ترور اسماعیل هنیه. اما از آنجا که این گروه نیز به سان ایران خواهان تشدید تنش و جنگی تمام عیار نیست، پاسخش محدود و سنجیده خواهد بود. بت‌سانز عضو کمیته مشورتی پروژه استراتژی ایران شورای اتلانتیک مدعی است، اسرائیل یا ترورهای اخیر تلاش کرد تا به گونه‌ای مستقل از آمریکا بتوان بازدارندگی‌اش را نشان دهد، با این همه پیامدهای ماجراجویی‌اش می‌تواند برای روابط دو جانبه تل آویوو واشنگتن پرهزینه باشد. با این همه به ادعای سایر، سوال اصلی این است اسرائیل با ترورهای اخیر چه چرخه‌ای را به راه انداخته است. از منظری تحلیلگر، فعلا پیش بینی این گزاره سخت است و همه چیز به پاسخ ایران بستگی دارد.

محمد مهاجری در گفت وگو با «آرمان ملی»:‌

## گشت ارشاد

## به پاشنه آشیل نظام تبدیل شده بود



**باید محاسن و معایب حجاب را به مردم بگوییم**

**برخی معتقدند که رای مردم اصالت ندارد**

**از وقتی حجاب مساله اول کشور شد آسیب دیدیم**

**آرمان ملی -** حمید شجاعی؛ جامعه ایرانی طی سال‌های گذشته پس از اتفاقات مختلفی که در جامعه و فضای منطقه‌ای و بین‌المللی رخ داده امروز نگاه بازتری به مسائل در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی دارد و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نیز این فرصت را در اختیار مردم قرار داده تا آخرین اخبار و اطلاعات را در اختیار داشته باشند و اساساً سبک زندگی مردم نیز نسبت به گذشته تغییر کرده است. در چنین شرایطی مساله مهم نوع مواجهه جامعه یا حاکمیت است که بسیار درباره آن صحبت شده است. مسائلی همچون وضع اقتصادی و معیشتی، مسائل فرهنگی و اجتماعی چون حجاب، بحث اینترنت و فضای مجازی و همچنین نقش مردم در فرآیندهای مختلف که هر چند جامعه در چند انتخابات قبل نارضایتی خود را در این امور یا کاهش مشارکت معنادار خود در انتخابات نشان داده بود، اما این در انتخابات ۱۴۰۳ باز هم به امید تغییر رو بهبود و حرکت از وضع موجود به شرایط مطلوب به مسعود پزشکیان که با شعارهای مردمی وارد میدان شده رأی دادند و رئیس‌جمهورش کردند. در این راستا باید ببینیم نهمین رئیس‌جمهور چگونه می‌تواند شعارهای خود را محقق کند و چگونه موانع را از سر راه بردارد. در همین راستا چندی پیش بخش نخست گفت‌وگوی «آرمان ملی» با محمد مهاجری، فعال سیاسی و رسانه‌ای اصولگرا در خصوص علل رای آوری مسعود پزشکیان؛ هتاک‌های دولایسان به محمد جواد ظریف و سهم خواهی‌ها از دولت از نظر تان گذشت و اکنون بخش دوم این گفت‌وگو در خصوص چگونگی به وجود آمدن جریان‌های تندرو، بحران آفرینی‌هایشان و نگاه جامعه به مسائلی همچون حجاب و اینترنت از نگاه‌تان می‌گذرد.

**◀ اساساً چه شده که پس از انقلاب جریانی به وجود آمده که نه رای مردم را برمی‌تابد و نه نظر مردم و صرفاً بر پایه منویات و اهداف خود پیش می‌روند؟**

شاید بشود گفت که اول انقلاب فقط یک جریان سیاسی داشتیم. آن چیزی که می‌گفتند حزب فقط حزب... رهبر قسط روح ... و اقعاً در جریان انقلاب یک حزب و جریان مسلط وجود داشت. البته برخی جریانات دیگری هم بودند در حاشیه سیاسی کشور، اما خیلی‌ها شاید بزرگ جلوه نمی‌کردند، اما تقریباً می‌شود گفت که از خود مجلس اول یکسری اختلافاتی به وجود آمد. جریانی که ما به آنها می‌گفتیم لیبرال‌ها و اوارد مجلس شدند که البته قبل از آن در دوره دولت موقت حضور داشتند، اما از آخر مجلس دوم که بعداً به انتخابات مجلس سوم کشیده شد جریان‌های با ترور اسماعیل هنیه شرایط بروز پیدا کرد. این حزب جزیان هم از اینجاً به وجود آمد که در ابتدای انقلاب حزب جمهوری اسلامی را داشتیم و بنیانگذارهایش نیز شخصیت‌های اصلی انقلاب، یعنی مرحوم آیت‌ا... هاشمی، آیت ا... موسوی اردبیلی، آیت ا... شهید بهشتی و آقای باهنر بنیانگذاران آن حزب بودند که ما متولفان خود ۹۰ درصد کرسی‌های مجلس را از آن خود کرده بودیم، اما در درون همین حزب جمهوری اسلامی کم‌کم گرایش‌های غیر همسوی یا یکدیگر شکل گرفت که به طور مشخص به دو جریان چپ و راست تقسیم شدند. در همان زمان یک جریان مدافع آقای میرحسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر حضور داشت که جریان چپ را نمایندگی می‌کرد و جریان دیگر نیز جریان راست بود که جامعه روحانیت مبارز و همسوهايش تشکیل می‌دادند. در جریان مجلس سوم جریان چپ یک رشد قابل‌اعتنایی پیدا می‌کند. البته جریان چپ آن موقع با جریان چپ امروز تفاوت‌های ماهوی داشت و عملکردهای رفتاری و شیوه‌های سیاسی‌شان هم با هم متفاوت است. وقتی جریان چپ به وجود آمد جریان راست کم‌کم به روش‌های خود امیدوارتر شد و پای فشرد، یعنی کسانی که مخالف دولت آقای میرحسین موسوی بودند به هر قیمتی حاضر بودند که دولت سقوط کند. البته من در مقامی نیستم که به ارزش‌گذاری دولت آقای موسوی بپردازم بلکه روش‌های مخالفین را بیان می‌کنم. در مجلس سوم که بخشی از آن در حیات امام خمینی(ره) شکل گرفت بعد از رحلت ایشان آن مجلس با استیلای جریان چپ بود و به همین دلیل جریان راست تمام توان خود را گذاشت که اجازه تکرار به این مجلس ندهد و در مجلس چهارم موفق شد. چنانکه در مجلس چهارم می‌بینیم جریان چپ آن روز رای نمی‌آورد و بخشی هم از گردونه سیاست را قضایه درصالحیت‌ها حذف می‌شود. می‌توان گفت که بعد از دولت اصلاحات و پس از آن دولت آقای احمدی‌نژاد این رویکرد به اوج خود رسید.

به هر حال جریان اصلاحات و شخص آقای خاتمی دنبال بحث‌هایی به نام توسعه سیاسی بودند. شاید در گفتار اینگونه تلقی شد که جریان اصلاحات نسبتی با آموزه‌های دینی و مذهبی ندارد و اهل تساهل و تسامح با دین است. این حرف‌ها حداقل سال‌های ۷۶ و ۷۷ است یعنی ۲۵ سال قبل و باید این موضوع را در برهه تاریخی ببیند چقدر حساسیت داشته و اوضاع آن شاید آن حساسیت‌ها یا وجود ندارد یا بسیار کم است. بنابراین طبیعی بود جریانی که خود را انقلابی و مذهبی می‌دانست از آن فضا ناراضی و ناراحت باشد. به صورت پر رنگ می‌بینیم جریان مرحوم مصباح در دوره اصلاحات خیلی فعال می‌شود. نه فقط به لحاظ تشکیلات و دعوای‌های سیاسی و رسانه‌ای بلکه حتی به لحاظ پشتوانه‌های علمی هم می‌بینید مسائلی مطرح

**جریان مرحوم مصباح در دوره اصلاحات خیلی فعال می‌شود. نه فقط به لحاظ تشکیلات و دعوای‌های سیاسی و رسانه‌ای بلکه حتی به لحاظ پشتوانه‌های علمی هم می‌بینید مسائلی مطرح می‌شود. بنیان این بحث از اینجا آمد که وقتی گفته می‌شود رای مردم جریانی آمد و رفت که رای مردم اصالت ندارد و فقط نمایش است و اگر مردم آمدند با مایه عنوان جناح راست همراه شدند خوشباً به سعادتشان که به ماری دادند اگر رای ندادند اصلاً ارزشی ندارد. این اتفاق تقریباً از اواسط اصلاحات اوج گرفت**

می‌شود. بنیان این بحث از اینجا آمد که وقتی گفته می‌شود رای مردم جریانی آمد و رفت که رای مردم اصالت ندارد و فقط نمایش است و اگر مردم آمدند با ما به عنوان جناح راست همراه شدند خوشباً به سعادتشان که به ماری دادند اگر رای ندادند اصلاً ارزشی ندارد. این اتفاق تقریباً از اواسط دولت اصلاحات اوج گرفت.

**◀ جریانی که اشاره کردید در دولت اصلاحات و دولت آقای روحانی در پی بحران آفرینی و در دولت احمدی‌نژاد و مرحوم رئیسی نیز در قالبی دیگر به تخریب پرداختند و حتی رگه‌هایی از آن را در انتخابات گذشته دیدیم؛ اساساً اصالت این جریان چیست و بر چه مبنایی عمل می‌کند؟** این جریان یک جریان بی‌ریشه فکری نیست که بگوییم هیچ نمی‌دانند، ضد دموکراسی هستند به این دلیل که اسلام یا غرب را نمی‌شناسند، اینگونه نیست. اتفاقاً در آنها نیز آدم‌های باسوادى وجود دارد ولی یک اعتقاد را نمایندگی می‌کنند که ریشه آن اعتقاد برای انقلاب و بعد از انقلاب نیست و به خیلی گذشته و حتی صدر اسلام برمی‌گردد که برخی در همان موقع نیز مردم را در سرنوشت خودشان ذی مدخل نمی‌دانستند. وقتی که سال ۱۳۵۸ از امام خمینی(ره) سؤال می‌کنند که اگر مردم به جمهوری اسلامی رای ندادند چه اتفاقی خواهد افتاد خیلی راحت می‌گویند که اگر مردم نخواستند به دنبال کار خود می‌رویم. همان طور که حضرت علی(ع) ۲۵ سال سکوت کرد به خاطر اینکه مردم اقبالی به سمت ایشان نداشتند. وقتی امام (ره) مساله حکومت ایران را جمهوری اسلامی اعلام کرد و شکل را جمهوری و محتوا را اسلامی قرار داد این در مقابل تفکر خیلی‌ها بود و در همان موقع نیز خیلی‌ها گفتند اگر امام(ره) کلمه جمهوری را گفته به خاطر این گفته که دهان دیگران را ببندد. این هم در اعتقاد آن افراد یک امر ریشه‌دار است و فکر می‌کنند در اسلام چیزی به نام رای نداردیم و اگر داریم یک چیز تزئینی است. بنابراین اینکه دولت‌های مختلف را مثال زدید درست که در دولت احمدی‌نژاد هم بخشی از آن جریان به قدرت رسید ولی بعداً با همان جریان آقای احمدی‌نژاد به مشکل خورد، اما نه از جهت موضوع رای بلکه از جهت دیگری به آن مشکل خورد. دلیل هم این بود که آن جریان تفکرات و تصوراتی را که راهبری می‌کند با خواسته اصلی جامعه‌ما که یک جامعه نوینی است که

## آرمان ملی

armanmeli.ir

سال هفتم

شماره ۱۸۹۱

دوشنبه

۱۵ • ۰۵ • ۱۴۰۳

۳۰ مهر ۱۴۴۶ / ۵ آگوست ۲۰۲۴

### سیاست

**◀ برخی معتقدند جامعه اگر در مسائلی چون اینترنت و حجاب ایستادگی کند دولت یا بخش‌هایی از حاکمیت در مقابل خواسته مردم نرمش بیشتری نشان می‌دهند چنانکه آقای پزشکیان نیز از این مطالبات گفت. اساساً این نوع برخورد‌ها در جامعه چه میزان می‌تواند تأثیرگذار باشد؟**

من می‌خواهم بگویم که امروز در جامعه اگر به جای آقای پزشکیان آقای جلیلی هم رئیس‌جمهور می‌شد برخوردی که باگشت ارشاد می‌کرد تفاوت چندانی با برخورد آقای پزشکیان نداشت. به خاطر اینکه گشت ارشاد به پاشنه آشیل نظام تبدیل شده بود. ما مساله حجاب را مساله اول کشور کردیم و به همین دلیل نیز آسیب خوردیم. کما اینکه در دولت آقای روحانی اشکالی که وجود داشت برجام را مساله اول کشور کردند و لطمه خوردند. در حالی که برجام مساله اول کشور نبود بلکه وسیله و راهی بود برای اینکه شما مجموعه نظام را از بحرانی که وجود داشت نجات بدهید. الان هم چه کسی گفته حجاب مساله اصلی کشور است. ما نسلی هستیم که قبل از انقلاب بسیاری از همسایگان، دوستان و فامیل‌هایمان بی‌حجاب بودند و به مراتب بی‌حجابی‌های بدتری از امروز در خیابان‌ها شاهد بودیم. اما همان نسل بزرگ‌ترین انقلاب را کرد. پس واقعا موضوع حجابی که آن موقع برایمان اهمیت نداشت؛ یک‌دفعه مساله اول کشور شد؟ وقتی هم که مساله اول شد خیلی اتفاقات جامعه شناسانه و روانشناسانه‌ای در جامعه به‌وجود آمد که در مقابل آن قرار گرفت. از وقتی که شما با جهانی به اندازه یک گوشی موبایل مواجه شدید و همه دنیا به یک گوشی موبایل آمد باید برای حجاب یک ورژنی تهیه و نوشته می‌شد که در این گوشی معنی دار باشد و همه می‌توانستند با آن ارتباط برقرار کنند. ما آمدیم همه را در این گوشی موبایل قرار دادیم اما پلاس؛ یک حجاب بیرون از این دنیا داریم که آن خیلی فرق می‌کند و شوخی ندارد و باید به هر قیمتی شده اجرایش کنیم. در راه اجراء و اتفاق افتاد. نخست اینکه جامعه پذیرش آن را نداشت و دوم بسیاری از کسانی که مجری این بودند یا قانون‌گذار بودند در خانواده خود با مشکل مواجه شدند. یعنی در خانواده خود نیز با عدم باور به این مساله روبه‌رو بودند. طرف در کرسی خطابه قرار می‌گیرد علیه دختران و زنان حرف می‌زند وقتی به خانه می‌رود می‌بیند در دختران فامیل پذیرش این مساله وجود ندارد. بنابراین من معتقدم ما در موضوع حجاب با یک مساله که واقعیت داشت به صورت وهمی برخورد کردیم و فکر می‌کردیم با این رویکرد می‌توانیم مساله حجاب را درست کنیم. نمی‌دانم شاید خیلی از دوستان از این حرف خوش‌شان نیاید، اما من با آنچه که در عام جامعه می‌بینم آنچه که امروز در جامعه به عنوان بی‌حجابی دیده می‌شود فقط نداشتن روسری است و در ۹۹ درصد مواقع فقط با این روبه‌رو هستیم که آن هم خانم‌ها روسری یا شال روی دوش‌شان است و اگر سختگیری شود جلوی مامور ۱۵سانت بالاتر می‌آید. یعنی حجاب این قدر سطحی و پیش پا افتاده است که فاصله بین محجبه بودن و نبودن ۱۵ سانت قرارگرفتن یک روسری است که باشد یا نباشد؟

**◀ برخی می‌گویند وقتی حجاب را مساله اول کردیم یعنی در سایر حوزه‌ها عملکردها به اندازه‌ای مطلوب نبوده و برای پوشاندن آن عملکردها حجاب به عنوان مساله اول عمل می‌کند؛ چقدر با این مساله موافقت؟**

من چندان موافق این مساله نیستم، چرا که مساله حجاب حداقل در این ۳۱ سال رخ نداده و دست کم از دهه ۴۰ مطرح شده و آن زمان هم مساله کشور بود. اینکه می‌گوییم مساله اول کشور نیست ما اگر بیاییم بسیاری از موضوعات مربوط به معیشت مردم و کرامت انسانی مردم را حل کنیم جامعه ما به هیچ وجه روی لجاجت یا حاکمیت نمی‌افتد. شما چرا یا چراغ قرمز یا خیابان یک طرفه لجاجت نمی‌کنید. واقعا همه چیز به خاطر جریمه نیست، چرا که همه می‌دانند اگر اتفاقی بیفتد خطر جانی دارد. آیا اینقدر که برای این موضوعات به مردم توضیح دادیم برای حجاب گفتیم که اگر حجاب نداشته باشید چه اتفاقاتی می‌افتد؟ چیزهایی هم که گفتیم خیلی درست نبوده است. چنانکه هر کس حجاب ندارد را غیر عقیف معرفی کردیم. در حالی که اینطور نبود. در واقع ما نیامدیم برای جامعه توضیح بدهیم که حجاب داشتن این محاسن را دارد و نداشتن آن معایب را دارد و سپس خودتان انتخاب کنید. اتفاقاً معتقدم که در مسائل فرهنگی مثل حجاب اصلاً نباید عجله کرد. می‌گویند حضرت نوح ۹۰۰ سال پیغمبری کرد و تعداد اندکی به او ایمان نیآورد. خب بالاخره برای این کار زحمت کشیدند. پیغمبر خودمان ۳ سال تبلیغ و کار فرهنگی کرد چند نفر به او ایمان آوردند؟ لذا نگوییم الان حکومت دست ماست باید ره صد ساله رای یک شبه طی کنیم نه؛ در موضوعات فرهنگ و مسائل اجتماعی واقعا عجله کردن جز اینکه کار را خراب کند هیچ اتفاقی نمی‌افتد. اگر برای تربیت فرزند خود وقت می‌گذاریم و حرف مشاور روانشناسی را قبول داریم که می‌گوید چند ماه صبر کنیم اینجا هم باید صبر کنیم.

**وقتی که سال ۱۳۵۸ از امام خمینی(ره) سؤال می‌کنند که اگر مردم به جمهوری اسلامی رای ندادند چه اتفاقی خواهد افتاد خیلی راحت می‌گویند که اگر مردم نخواستند به دنبال کار خود می‌رویم. همان طور که حضرت علی(ع) ۲۵ سال سکوت کرد به خاطر اینکه مردم اقبالی به سمت ایشان نداشتند**



با دنیا ارتباط دارد و نقش مردم، سمن‌ها و جامعه مدنی را درک می‌کند که دنیا با اینها پیش می‌رود نمی‌تواند آن جریان را که شاید غلط نباشد اسمش را جریان متحجر و قدیمی بگذاریم کنار بیاید. برای آن جریان هم اصلاً راحت نیست. اینکه می‌بینید آدم‌های شاخصی از این جریان در فضای سیاسی رسماً اعلام می‌کند که اگر مردم زیاد در انتخابات مشارکت کنند و انتخابات گسترده شود پس‌وای برما این ریشه در واقعیت اعتقادی و ایدئولوژیک آنهاست. حال بگویید این ایدئولوژی با جمهوری اسلامی نمی‌سازد خب؛ سازد از نظر آنها جمهوری اسلامی اصالت ندارد بلکه اعتقاد خودشان اصالت دارد. بنابراین دنبال این هستند که یک مدلی از حکومت را تحمیل کنند که آن مدل حکومت کاملاً حداقلی باشد. برخی از دوستان اصولگرا نیز از اینکه مردم در انتخابات ۱۴۰۳ مشارکت کردند عصبانی هستند چون می‌دانند هرچه مشارکت گسترده‌تر باشد چیزی به سید رای جریان اصولگرا اضافه نمی‌شود.

**◀ امروز جامعه با تحولات مختلفی روبه‌رو است که باعث شده نگاه جدیدی به مسائل مختلف از مساله حجاب گرفته تا فضای مجازی و نوع نگرش به عملکرد حاکمیت؛ اساساً این نوع فهم و نگرش جامعه را نسبت به اتفاقات مختلف چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در جریان اصولگرا این اتفاق افتاد و مواقعی جاده پیچید و ما نییچیدیم یا در جاهایی جاده مستقیم بود ما داشتیم فکر می‌کردیم که جاده از طرف دیگری است یا دنبال این بودیم که به زور مسیر را عوض کنیم که این اتفاق نیفتاد یا اینکه می‌گوییم جامعه نوگرا شد. جامعه از وقتی که فضای مجازی ایجاد شد و توانست با دنیا ارتباط برقرار کند صحنه‌های جدیدی جلوی چشمش باز شد که احساس می‌کرد ورود به این جهان جدید با داشته‌های قبلی‌اش امکان پذیر نیست و با آن ایدئولوژی نمی‌تواند به سمت این توسعه و پیشرفت حرکت کرد. روشنفکران جامعه هم نتوانستند به موقع خود را وارد میدان کنند و موتور حرکتی این دو مساله را با هم تنظیم کنند. به هر حال بخواهیم یا نخواهیم انقلاب اسلامی یک جریان منحصر به فرد بود و وجود همه عظمت و بزرگی کم‌کاری‌هایی در آن انجام شد به جهت ابدیت شدن آموزه‌هایی که با آن حکومت می‌کرد. یعنی آیا واقعا حکومت دینی به آن صورت که در سال ۱۳۵۸ در قانون اساسی آمده هنوز هم به همان شکل ادامه پیدا کند؟ اگر یک‌دفعه صحبت می‌شود که باید بخش‌هایی از قانون اساسی تغییر کند بلافاصله لوزه بر اندام‌مان می‌افتد. یا می‌گویند ببینید قانون اساسی آمریکا ۴۰۰ سال است تغییر نکرده است. اصلاً آمریکا با ما قابل مقایسه نیست . ما یک نظام ایدئولوژیک هستیم که این نظام مبتنی بر یک روش حکومتی با فرانت متفاوتی است از گذشتگان است. ما که با دموکراسی شبیه غربی‌هایامدیم جمهوری اسلامی درست کنیم بلکه کاری جدید کردیم. بعد از ده سال فهمیدیم که جاهایی از قانون اساسی درست نیست و باید عوض کنیم. چرا باید بنرسیم از اینکه بعد از ۱۰ سال یا ۲۰ سال قانون را عوض کنیم. بسیاری از این تغییراتی که جامعه با آن همسو نشده تغییراتی است که باید در بنیان‌های فکری ما رخ دهد. نه اینکه آیا باید نظام ما ریاستی باشد یا پارلمانی. در آن مقدمات گیریم که آیا برخی از آن چیزهایی که ما به عنوان حکومت دینی از آن اسم می‌بردیم چه اندازه باید امروزه با متغیرهای زمان عوض شود؟ تیپ‌های آدم‌هایی مثل شهید مطهری یا شهید بهشتی ۱۰ سال یا ۲۰ سال قبل از انقلاب نیز می‌دانستند که این تحولات چگونه باید انجام شود. لذا من معتقدم که در این زمینه کوتاهی کردیم.